



مقصودیکه این ماده برای آن نوشته شده در نظر گرفته شود محتاج باین همه دقت نخواهد بود در اینجا کسی نمیتواند تعبد یک زحمتی یا یک مسئولیت بزرگی بکسی بکند یا سلب حق مالکیتی از مالک یا سلب حق انتظامی از مستاجر بنماید کسی همچو خیالی ندارد بلکه مقصود از این ماده اطلاع یافتن دولت است در عایدی مستقل و اگر مطابق فرمایش آقا کسب اطلاع را محدود بمالك میکردند یعنی فقط از مالک تحقیق میکردند این يك محدود کردن غیر لازمی بود بواسطه اینکه ممکن است کسی مالک مستقل باشد و در آن محل نباشد و بجای دیگر رفته باشد در اینصورت اگر این قضیه در قانون پیش بینی شود و کسب اطلاع را منحصر بمالك بنماید آنوقت باید دولت صبر کند و هیچ اقدامی نکنند و منتظر شود تا مالک برگردد و این ماده لزومی ندارد این ماده میگوید مالک یا هر کس که حق انتفاع از آن مستقل را دارد باید اطلاعات راجعه بعایدی آنرا باداره مالیه بدهد و این خیلی صحیح است و بهیچوجه برای کسی ضرر ندارد

**رئیس - مذاکرات در این باب کافی نیست؟**  
(اغلب گفتند کافی است)

**حاج شیخ محمد حسن -** کافی نیست  
**رئیس -** تنها جناب عالی میفرمائید کافی نیست -  
رای میگیریم باینکه مذاکرات کافی هست یا خیر؟  
آقایانی که مذاکرات را کافی میدانند قیام نمایند  
(اغلب قیام نمودند)

**رئیس -** اکثریت است - رای میگیریم باینکه ۹ آقایانی ۹ ماده ۹ را تصویب میفرمائید قیام نمایند -  
(اغلب قیام نموده ماده مزبور تصویب شد)  
(ماده ۱۰ بمضمون ذیل قرائت شد)

ماده ۱۰ - اسامی مالکین مستقلاًتیکه مطابق این قانون مالیات مستقلاًت با آنها تعلق میگیرد از طرف خود آنها و مستاجرین آن مستقلاًت باید باداره مالیه اظهار شود در صورت تخلف مسئول خواهند بود .

**حاج شیخ محمد حسن -** این ضرری ندارد که آقای مخبر فرمودند اینجا جای ضرر است بنده عرض کردم این مطالب از فروغ این اساس نیست اساس ما این بود که وضع مالیات را بر روی املاک از روی عایدی قرار داده ایم و عایدی بهیچوجه من الوجوه مربوط بمستاجر نیست زیرا که مستاجر مابازا داده است که مثل موقوف علیه نیست که منفعت نماید بآنها میشود باوجود این در اینجا مینویسد مسئول خواهد بود کسیکه دخیل در کاری است ما چه تکلیفی است که بر او میکنیم و میگوئیم حتماً باید مستاجر بیاید و اظهارات خودش را بنماید گمانم این است آن ماده هم که گذشت لازم بود اشخاص را که حق انتفاع دارند از آن کسانی که عایدی بآنها میرسد تجزیه کنیم لویانکه برسبیل اخلاق رأی گرفته شود آن ماده اگر طراری نداشت بالصراحه میگوید که اگر مستاجر اظهار نکند مسئول خواهد بود و این خیالی بی جا است و ابدأ ربطی با اساس که ما گذاشته ایم ندارد .

**آقا شیخ ابراهیم زنجانی -** این ماده دوم راجع و مربوط بعایدات نیست بلکه میگوید اسامی مالکین باید باداره مالیه اظهار شود و این ماده خیلی مهمی است در ممالک خارجه يك ماده ثبت

اسناد است و یکی ماده ثبت املاک است یکی هم ثبت نفوس است که برای رفع مشاجرات در مملکت خیلی اهمیت دارد و این ماده از برای ثبت اسامی مالکین است و در دو جهت ناقص است یکی اینکه دولت اسامی مالکین را در دفتر خودش ثبت کرده است در دوائر عدلیه باید معتبر باشد و اگر تمام اعتبار را هم نداشته باشد از جمله دلائل خواهد بود یعنی کسیکه چندین سال باسم مالکیت مالیات داده است و دولت او را بمسئول مالکیت شناخته البته یکی از دلائل خواهد بود بلکه در خارجه این دائره را بالا تر از ثبت اسناد میدانند و مربوط به ثبت اسناد هم نیست بنا بر این در اینجا خیلی دقت لازم است اولاً به مستاجر هیچ مربوط نیست که اسم مالک را بگوید ثانیاً بر فرض مکلف بودن مستاجر یعنی چه ؟ اگر اینطور باشد مالک میگوید من منتظر بودم مستاجر اسم مرا باداره مالیه بگوید مستاجر هم میگوید من انتظار داشتم مالک بگوید پس باید یا هر دو را عیناً مکلف کرد که هر دو بروند اظهار کنند یا باید اول مالک را مکلف کرد و اگر او تخلف نمود آنوقت مستاجر برود بگوید ثالثاً اینکه نوشته شده (در صورت تخلف مسئول خواهند بود) (مسئول خواهند بود) يك لفظ بی مقدمه است بسیار خوب مسئول هستند اگر تخلف کردند چه خواهد شد .

**مخبر -** مجازات تخلف کننده در نظامنامه معین میشود .

**آقا شیخ ابراهیم زنجانی -** در نظامنامه معین نبوده ؟ تعیین مجازات در نظامنامه غلط است نظامنامه ترتیب اجراء را مینویسد هر مجازات را غیر از مجلس ابدأ کسی حق تعیین مجازات را ندارد ثالثاً يك چیز دیگر در اینجا لازم است و گفته نشده که هر گاه اسم مالک را خواستند و دوسه نفر اظهار ادعای مالکیت کردند آیا باداره مالیه در موقع مشاجره اسم کدام يك از آنها را ثبت خواهد کرد و تکلیف اداره چیست در این باب هیچ ماده وضع نشده هیچ فکری نشده بنا بر این بنده راجع بماده دوم يك اصلاحی پیشنهاد کرده ام و همین طور يك ماده علیحده پیشنهاد کرده ام که اگر صلاح بدانند در ذیل آن نوشته شود .

**حاج شیخ اسدالله -** بله در صورتی که دولت يك احضاریه از اراضی املاک در تحت يك ترتیب معینی داشت آنوقت همین قسم که میفرمایند آن ثبت در اداره ثبت اسناد و محاکم رسمی که مرجع امور هستند و دوائر دولتی عموماً سندیت داشت اما این نظر در وضع این قانون بهیچوجه نبوده بلکه وضع این قانون فقط برای آن مالیاتی است که گرفته میشود و میخواهد مالکیت آن شخص را که اظهار مالکیت میکند رسمیت بدهد و فقط نظر بگرفتن مالیات است و در صورتی هم که دونه فریاسه نفر باختلاف اظهار مالکیت بکنند مطلب خیلی سهل و ساده است هر کسی که این ملك مستقل در تصرف او است دولت از عایدی آن مالیاتش را میگیرد و منازع و تشاجر آنها بمحاکم معموله که عدلیه باشد رجوع می شود پس این مطلب از برای آنها سندیت نخواهد داشت و نظر بتمیین مالکیت واقعه در اینجا نیست که اداره مالیه معین و مشخص بکند مالک واقعی این ملك کی

خواهد بود مالک هر کس می خواهد باشد اداره مالیه میخواهد بداند مالیات را از کی بگیرد در صورتی که در آن ملك اختلافی نبود و نکردند خودش را بمالکیت معرفی کرد مستاجر هم تصدیق او را نموده و گفت من این ملك را از او اجازه نموده ام و مالک ملك است معارض هم ندارد و معلوم است مطابق همین قانون دولت صدی چهار مالیاتش را از او میگیرد اگر در موضوع يك ملكی اختلافی بین چند نفر اظهار شد اداره مالیه ابدأ داخل در موضوع تنازع آنها نمیشود و از آن شخص که عایدی را میبرد اهم از اینکه مستاجر باشد یا غیر مستاجر هر کس که در تصرف او است صدی چهار را از او میگیرد و رفع اختلاف آنها بمحاکم رسمی رجوع میشود و آن نظری را که آقای زنجانی دارند در صورتی صحیح است که احصائیه اراضی و املاک و مستقلاًت تماماً در دوائر دولتی معین باشد آنوقت این اشکالات پیش نیاید ولی تا زمانی که صورت احصائیه املاک مرتب نشده است هیچ راه حلی مجلس برای اینکار نیست مگر اینکه اداره مالیه لفظ نظر داشته باشد صدی چهار را از آن کسی که عایدی و انتفاع از آن ملك میبرد اهم از اینکه مالک واقعی باشد یا غصب کرده باشد بگیرد .

**حاج شیخ حبیب الله -** بنده با فرمایشات آقای آقا شیخ ابراهیم موافقم ولی اگر بنا باشد این ماده قبول شود باید این کلمه اضافه شود نوشته شود (و یا مستاجرین آن مستقلاًت در صورت نبودن مالک) اگر این يك کلمه زیاد شود که هم مالک و هم مستاجر هر دو مسئول باشند کار را باهمال وانگذازند رفع شبهه میشود .

**حاج عز الممالک -** باید دانست که مقصود از وضع این قانون نوشته چند کلمه است روی کاغذ یا باید واقماً موادی نوشت که بموقع اجرا بیاید آقای گروسی فرمودند این ماده که در اینجا نوشته شده است هیچ مربوط باصل مطلب نیست در صورتی که بعقیده بنده مربوط است بواسطه اینکه اگر در نوشتن این لایحه فقط به معین کردن يك مالیاتی نافع میشدیم و دیگر چند ماده برای لزوم اجرای آن نمی نوشتیم دچار اشکالات میشدیم و مردم میدانستند چطور مالیات بدهند و دولت هم نمیدانستند چه شکل آن مالیات را از مردم وصول کند باین مناسبت پیشنهادی که دولت کرده بود کمیسیون مجبور شد چند ماده هم نسبت با اجرای این قانون بنویسد از آن جمله همین ماده است و اگر در اینجا ذکر نمیشد که مستاجر هم باید مسئول باشد ملاحظه میفرمائید نسبت بگرفتن مالیات چه اشکالاتی پیش میاید در شور اول گفته شد که ممکن است مالک حاضر باشد مستاجر هم مطابق آن اجازه نامه که در دست دارد فایده آن ملك را ببرد آنوقت تکلیف اداره مالیه با او چیست ؟ غیر از اینکه این ماده را بموقع اجرا بگذارند و مستاجر را مکلف کند باینکه اسم مالک را باداره مالیه بدهد چاره دارد ؟ اما اینکه شتوقی ذکر می شود که ممکن است بعضی اشکالات پیش بیاید و در این ماده پیش بینی نشده بعقیده بنده نظامنامه چاره آنرا میکند زیرا تمامه جزئیات را در يك قانونی نمی شود ذکر کرد و نوشت خصوصاً قانونی را که هنوز بموقع اجرا نگذاشته ایم و نمیدانیم چه اشکالاتی پیش بیاید و چه باید نوشت در صورتی که هر روز هم نمیشود قانون ا

تغییر داد پس باید یک مواد اساسی را در قانون نوشت و جزئیات را موقوف به نظامنامه کرد و آنرا به موقع اجرا گذاشت آنگاه اگر اشکالاتی پیش بیاید ممکن است نظامنامه را تغییر داد ولی ملاحظه فرمائید اگر جزئیات در قانون نوشته شود باید دولت هر روز یک لایحه قانونی برای تغییر یک ماده به مجلس شورای ملی پیشنهاد کند و بدیهی است این ترتیب نیز ممکن است اما اینکه ذکر شد که اسامی مختلف بعنوان مالکیت با اداره مالیه بیاید و اداره دچار اشکالات خواهد شد اگر درست دقت فرمائید بهین دلیل یک جمله که دولت پیشنهاد کرده بود در این قانون رد شد و بهمان نظری بود که آقای حاج شیخ اسدالله فرمودند اداره مالیه نباید خودش را داخل در مالکیت مردم بکند والا خیلی اشکالات پیش میآید در لایحه که دولت پیشنهاد کرده بود این شکل نوشته شده بود (معاذکم عدلیه مکلفند قبوض مالیاتی را در همداد اسناد رسمی محسوب دارند) مثلا اگر بنده قبض مالیات یکدکانی را در دست داشته باشم میتوانم آنرا مدرک قرار بدهم و بگویم مالک این دکان هستم اگر ما یک همچو حقی را میدادیم میدیدیم چه اشکالاتی پیش خواهد آمد اداره مالیه نمیتواند دخالت کند در اینکه این ملکی که مالیاتش را من میدهم مال من است یا مال دیگری است با آن دلیل این ماده حذف شد و اداره مالیه را باین کار دخالت ندادند مالیه مالیاتش را از کسی میگیرد که باید آنجا را برداشت میکند حالا او مالک است یا نیست این مطابق است که باید در عدلیه مذاکره شود ربطی به اداره مالیه ندارد.

**رئیس** - در این باب مذاکرات کافی نیست (گفته شد کافی است)

چند فقره پیشنهاد رسیده است قرائت میشود و رأی میگیریم.

(پیشنهاد آقای حاج شیخ حبیبالله بضمون ذیل قرائت میشود)

بنده پیشنهاد میکنم که بعد از کلمه مستغلات این کلمه نوشته شود در صورت نبودن مالک در محل انتشار اعلان.

(پیشنهاد آقای بویدالاسلام)

بنده پیشنهاد میکنم در ماده دهم این کلمه زیاد شود (اسامی مالکین و متولی های مستغلات)

**رئیس** - مقصود این است که لفظ (متولیان) در بیان مستأجرین و مالکین اضافه شود.

(پیشنهاد آقای شیخ ابراهیم زنجانی)

بنده پیشنهاد میکنم ماده هم چنین نوشته شود اسامی مالکین مستغلاتی که مطابق این قانون مالیات بآنها تعلق میگیرد از طرف خود آنها یا کسانی که قائم مقام آنها باشند در ظرف مدتی که اداره مالیه اعلان میکند باید آن اداره اظهار شود و در صورت تخلف خود اداره بتوسط مستأجر و خبره تحقیق و ثبت میشود و بجهت تخلف از قانون بقدر ربع مالیات یکساله بر مالیات سال اول آن مستغلت اضافه میشود.

(پیشنهاد آقای عبدالملک)

بنده پیشنهاد میکنم ماده ۱۰ این طور نوشته شود.

اسامی مالکین مستغلاتی که مطابق این قانون مالیات مستغلات بآنها تعلق میگیرد از طرف خود آنها و مستأجرین آن مستغلات باید با اداره مالیه اظهار شود الی آخر.

**رئیس** - آقای حاج شیخ حبیبالله نویسی دارید؟

**حاج شیخ حبیبالله** - در صورتیکه مالک هست بی جهت نباید اسباب رحمت مستأجر را فراهم بیاوریم ولی اگر مالک در محل نباشد و کیل هم نداشته باشد آنوقت برای رفاهیت دولت خوب است به مستأجر اطلاع بدهند.

**رئیس** - آقای مخبر چه میفرمائید؟

**مخبر** - قبول ندارم.

**رئیس** - رأی میگیریم در قابل توجه بودن پیشنهاد آقای حاج شیخ حبیبالله آقایانی که این پیشنهاد را قابل توجه میدانند قیام نمایند.

(عده قلبی قیام نمودند)

**رئیس** - قابل توجه نشد آقای مؤیدالاسلام توضیحی دارید بفرمائید.

**بویدالاسلام** - چون موقوفات در این قانون جزء مستغنیات نوشته شده بود بعد از مستغنیات خارج شد و داخل شد در املاکی که باید مالیات بدهند از این جهت باید متولیان هم در اینجا نوشته شود.

**مخبر** - بنده این اصلاح را قبول دارم.

**آقا شیخ ابراهیم زنجانی** - قائم مقام مالکین همان متولیان یا کسانی که قیم صغار هستند یا در صورتیکه غائب باشد و کیل آنها هستند و لفظ قائم مقام همه را شامل میشود اگر مالک خودش حاضر است صورت میدهد اگر نبوده یا اظهار نکرده آنوقت اداره مالیه از مستأجر و خبره تحقیق میکند و اسم مالک را ثبت میکند والا مستأجر را در عرض مالک قرار دادن و مسئولیت را بین آنها مردد قرار دادن صحیح نیست یا هر دو باید مسئول باشند یا اول یکی بعد دیگری والا در عرض هم بودن صحیح نیست.

**مخبر** - در موضوع فرمایشات آقا بنده در دفعه اول عرض نکردم بجهت اینکه آن کلیاتی که با این قانون تطبیق فرمودند اشتباه است.

آن کلیاتی که در اینجا فرمودند در جای خود صحیح است مربوط باین قانون نیست اما در مد نظر اینکه میفرمایند نباید مالک را با مستأجر در حقوق مساوی کنند اول باید دید این حق چه حقی است آنوقت به بنیم می شود مالک و مستأجر را در آن حق مساوی قرارداد یانه؟ و بالاخره من تعجب میکنم چه اهمیت دارد که اسم مالک یک مستغلی بتوسط مستأجر آن مستغلت با اداره مالیه اطلاع داده شود یا اینکه اگر مالک نباشد مستأجر حق داشته باشد اطلاع بدهد که مالک مستغلت نیست پس در قسمت اول بنظر بنده اشکالی نیست و قابل مذاکره هم نیست میماند قسمت ثانوی این ماده (که در صورت تخلف مستغلت خواهد بود) اگر میفرمائید هیچ نباید نوشت در صورت تخلف مستغلت خواهد بود بر خلاف فرمایش اولی خودتان است و لابد یک مسئولیت و مجازاتی در مقابل عدم رعایت قانون باید باشد اگر نظر جناب عالی این است که باید تمام مجازاتهایی که ممکن است بر او تعلق بگیرد در اینجا

نوشته شود بنده عرض خواهم کرد از کجا باید حتما یک بلغ مالیات بعنوان جریمه گرفته شود در حالتی که اگر یکسال به تعویق انداخت باید یک مجازات مینوی داشته باشد و اگر یکروز به تعویق انداخت یک مجازات دیگری داشته باشد و چون مواقع خلاف قانون که مختلف شد مجازات همه مختلف خواهد بود و نمیشود قانونی را که از مجلس میگذرد مفصل نوشت و قوانینی که از مجلس میگذرد باید فقط اصول را در نظر بگیرد و مختصر باشد و در تحت یک مواد مختصر جامعی نوشته شود جزئیات اجرائیه باید موقوف به نظامنامه کرد که وزارتخانه مربوطه باید بعد از تجزیات بنویسد و بر طبق آن قانون را اجرا کند والا امروز دچار اشکال خواهند شد بنابراین تصور میکنم این ماده به همین ترتیبی که نوشته شده است مزاحمت به حق هیچکس ندارد و اشکالی هم نخواهد داشت و استعدا میکنم فقط بقوانین عدلیه توجه فرمائید این قانون مربوط به عدلیه نیست و مربوط به یک مسئله دیگری است که عملیات بیشتر در او مدخلیت دارد.

**رئیس** - رأی میگیریم در قابل توجه بودن اصلاح آقای زنجانی آقایانی که این اصلاح را قابل توجه میدانند قیام نمایند.

(عده قلبی قیام نمودند و قابل توجه نشد)

**عادل الملک** - بنده تصرفی کدر پیشنهاد خودم راجع باین ماده کردم فقط آن جهت تردیدیه است که در این ماده نیست و نوشته شده است (مالک یا مستأجر) و این عرض را که در ماده دهم میخواهم بکنم اشتباها در ماده نهم عرض کردم این لفظ (مالک یا مستأجر) مسئولیت بین این دو نفر مردود میکند او بگردن او میاندازد و این یکی بگردن آن یکی در حالتی که هیچ اشکالی نخواهد داشت که مستأجر هم یک صورتی با اداره مالیه بدهد که آن آقادر عایدی بمالک میدهد و این مسئله هم اسباب تسهیل تفتیش اداره مالیه هست بنا بر این بنده پیشنهاد کردم که این مسئله تردیدی از میان برود و اینکه گفته میشود چرا مستأجر مسئول باشد این یک مسئولیت خطرناکی نیست دادن یک اطلاع مختصری است که در موقع مقتضی اسباب تسهیل تفتیش از برای اداره مالیه میشود و راه تفتیش را باز میکند و اگر مالک در دادن اطلاعات مسامحه کند اطلاعات مستأجر اسباب تسهیل کار میشود.

**مخبر** - اگر چه یک قدری کار را مشکل میکند ولی چون مقصود این بود که یک وسیله تحقیق و راه تفتیش برای مالیه باشد لهذا بنده هیچ ضرری نمی بینم که (یا) را حذف کنند.

**رئیس** - پس رأی میگیریم بماده دهم با اصلاح آقای بویدالاسلام یعنی با اضافه لفظ (متولی) بعد از مالکین و حذف لفظ (یا) بعد از متولی و آقایانی که این ماده را باین ترتیب تصویب میکنند قیام نمایند.

(عده کثیری قیام نمودند)

**رئیس** - تصویب شد ماده (۱۱) قرائت میشود.

(بضمون ذیل قرائت شد)

ماده ۱۱ - در موقعی که تا یک ماه پس از انتشار اعلان اداره مالیه از طرف مالک یا مستأجر مستغلی اظهار عایدات مطابق ماده ۹ داده شود ابتداء از طرف اداره مالیه کتباً اخطار و صورت عایدی

خواسته خواهد شد پس از دو هفته از تاریخ اخطار اگر باز اظهاریه داده شود و یا اداره مالیه صحت آنرا تردید نماید اداره مالیه رأساً اقدام بمیزی و تعیین عایدات آن مستغلات خواهد نمود.

**عادل الملک** - بنده میخواستم عرض کنم بعد از آنکه (یا) از ماده دهم حذف شد در اینجا دیگر محلی نداد و باید اظهاریه از طرف مالک یا مستأجر هر دو برسد.

**مخبر** - این مربوط بماده نهم است ربطی بماده دهم ندارد.

**رئیس** - دیگر مغالطی نیست؟ (اظهاری نشد)

رأی میگیریم بماده ۱۱ آقایانی که قبول دارند قیام نمایند.

عده کثیری قیام نمودند

**رئیس** - تصویب شد - ماده دوازدهم قرائت میشود.

(بضمون ذیل قرائت شد)

ماده ۱۲ - در موقع ممیزی عایدات مستغلات باید قبلاً بدالک اخطار شود و مشارالیه حق خواهد داشت که خود یا نماینده اش حضور بهرسانند و این ممیزی بتوسط ممیزی که از طرف اداره مالیه معین میشود بعمل خواهد آمد.

**حاج شیخ حبیبالله** - بلی - بنده عرض میکنم در اینصورت که ممیزی از طرف اداره مالیه بعمل میآید خوب است یک کلمه اضافه شود که یک نفر هم از طرف مالک حاضر شود در صورتی که مالک یک نفر ممیزی فرستد نه از برای مالک اسباب مزاحمت است و نه برای اداره مالیه.

**حاج عزالملك** - این متمم ماده یازدهم است که نوشته شده اگر مالک اطلاعات ندارد اداره مالیه خودش رأساً بمیزی اقدام خواهد کرد یقین است در موقع اقدام مالک نخواهد بود و فرضاً هم که باشد اداره مالیه باید خودش اقدام کند علاوه بر این مسئله پیش بینی شده است که اگر مالک اعتراض داشت بموجب مواد بعد حق خواهد داشت اعتراض خود را اظهار کند و در دفعه تالک از طرف اداره مالیه و از طرف مالک و از طرف حکومت سه نفر ممیزی خواهند فرستاد و ممیزی خواهند کرد و گمان میکنم در این صورت اشکال آقا هم رفع شود.

**حاج شیخ حبیبالله** - این در صورتی است که مالک هست خوب است که مالک نباشد در اینجا نوشته شده است (بمالک اخطار میشود) پس معلوم است مالک هست که باو اخطار میشود پس حالا که مالک هست خوب است در همان وقت که ممیزی فرستند یک مزمه از طرف مالک باشد که محتاج بماده بعد نشویم و اسباب زحمت شود.

**رئیس** - اصلاح آقای حاج حبیبالله قرائت میشود و رأی میگیریم.

(بضمون ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد مینمایم که ممیزی این قسم نوشته شود و این ممیزی توسط ممیزی که از طرف اداره مالیه معین میشود یک نفر از طرف مالک بعمل خواهد آمد.

**رئیس** - آقایان ملاحظه فرموده اند که در ماده نوشته شده است اگر مالک ممیزی را قبول نکند

حق خواهد داشت اعتراض کند که تجدید ممیزی نماید و در آنوقت میتواند یک نفر را معین کند حالا رأی میگیریم بقابل توجه بودن اصلاح آقای حاج شیخ حبیبالله آقایانی که این اصلاح را قابل توجه میدانند قیام نمایند.

(عده قلبی قیام نمودند)

**رئیس** - قابل توجه نشد - رأی میگیریم بخود ماده آقایانی که ماده (۱۲) را تصویب میکنند قیام نمایند.

(عده کثیری قیام نمودند)

**رئیس** - تصویب شد - ماده (۱۳) قرائت می شود.

(بضمون ذیل قرائت شد)

ماده ۱۳ - نتیجه ممیزی برای مالک و یا نماینده فرستاده میشود و مشارالیه در صورت داشتن اعتراض در ظرف سی روز از تاریخ وصول باید اعتراض خود را اظهار نماید و پس از گذشتن این مدت و نرسیدن اعتراض آن ممیزی قطعی خواهد بود در حین نتیجه ممیزی برای مالک فرستاده میشود مدلول این ماده و ماده ۱۴ باید بمشارالیه اعلام گردد.

**حاج شیخ حبیبالله** - اینجا یک فرض کرده اند و نوشته اند نتیجه ممیزی برای مالک فرستاده میشود در صورتی که مالک باشد صحیح است اما در صورتی که مالک در محل نباشد خوب است نتیجه ممیزی و تعدیل بماند تا وقتیکه مالک یا نماینده مالک حاضر شوند آنوقت بایشان اطلاع بدهد که اگر اعتراض داشت آنوقت ممیزی از طرف مالیه حکومت و خودش بعمل بیاید ولی در صورتی که خودش نباشد اعتراضش هم از میان خواهد رفت این از برای رفاهیت مالک است که اگر این ممیزی را قبول نداشته باشد حق اعتراض داشته باشد حق اعتراض داشتن هم در صورتی که حاضر باشد اما در صورتی که نباشد محقق از بین خواهد رفت.

**هدل الدوله** - اما در اینجا یک اشتباهی کرده اند و تصور کرده اند که مالک که عایدی دارد و مالیات بر آن تعلق میگیرد بکلی افتاده نه مالکی دارد نه صاحب و نه برتری بهین قدر که مالک نیست نمیدانند یکی اظهار کنند و حال آنکه هر ملکی که عایدی دارد و مالش در هر نقطه که باشد یک کسی را معین میکنند که عایدی آنرا ماه به ماه بگیرد در این صورت هیچ اشکالی نخواهد داشت که مابنده او اظهار کنند یعنی آن کسی که ماه به ماه اجاره را میگیرد اگر باو اظهار کردند نشد آنوقت مستأجر مسئول است و می تواند کار او را بکند و برای ممیزی یک مستغلی را همین طور نمی گذارند بماند تا معلوم شود صاحب کجای عالم است و تا او نیاید این اقدام بعمل بیاید.

**حاج شیخ حبیبالله** - بنده خیالم این است که اشتباه نکرده ام بواسطه اینکه تمام املاک ماه به ماه اجاره داده نمی شود.

فرضا یک ملکی را ممیزی کردند و مالک حاضر نبود نماینده هم ندارد یکسال هم گذشته است در اینصورت حق اعتراض ندارد در صورتی که مالک نیست و نماینده هم ندارد باید ترتیبی معین کرد که اگر اداره دولت رفت و ممیزی کرد حق آن شخص باطل نشود.

**رئیس** - رأی میگیریم بماده سیزدهم آقایانی که این ماده را قبول می کنند قیام نمایند.

(عده کثیری قیام نمودند)

(و ماده ۱۴ بضمون ذیل قرائت شد)

ماده ۱۴ در صورتی که از طرف مالک به نتیجه ممیزی اعتراض باشد باید اعتراضات و دلایل آن با کمال وضوح اظهار شود پس از رسیدن این اعتراضات بدون تأخیر یک نفر ممیزی از طرف اداره مالیه یک نفر ممیزی از طرف مالک و یک نفر از طرف حکومت محل معین شده تجدید ممیزی خواهند نمود و رأی آنها قطعی خواهد بود بوجه اعتراضیه دو قران تمیز الصاق میشود.

**حاج شیخ حبیبالله** - میفرماید رأی ممیزین قطعی خواهد بود که هر چه گفتند صحیح است در صورتی که برای مالک مستأجر می باشد این صحیح است اما در صورتی که با جاره رفت آنوقت آبا بهمان ترتیبی که با جاره رفته عمل خواهد شد و یا آنکه بهمان ترتیب ممیزی شده مالیات گرفته خواهد شد.

**مخبر** - اگر فوراً بعد از ممیزی با جاره برود آنوقت البته مطابق ممیزی عمل میشود ولی اگر یک فاصله داشته باشد آنوقت مطابق ماده پنجم که اجاره خطرا شرط کرده است ممکن است مالک اجاره خط خود را برود اگر اداره مالیه موافقت کرد و گفت این اجاره خط ساحتکی است از روی همان اجاره خط مالیات برقرار میشود والا بطوریکه ممیزین ممیزی کرده اند رفتار خواهد شد.

**حاج شیخ حبیبالله** - اگر صلاح میدانند این کلمه در اینجا اضافه شود مادامیکه با جاره نرفته رأی ممیزین قطعی خواهد بود و هر وقتی که با جاره رفت از روی اجاره نامه مالیات گرفته خواهد شد.

**مؤیدالاسلام** - بعد از آنکه متولی را در آن ماده داخل کردیم در این مواد هم که اسم مالک نیست باید داخل کنیم.

**رئیس** - پیشنهاد بفرمائید.

**آقای هاشم** - بنده میخواهم عرض کنم که ممیزی از برای دکان بستم نخواهد شد این ممیزی از برای دکان و وسع فلاتی که باز است خواهد بود و این هم در صورتی که مستأجر داشته باشد و مالک و مستأجر از ادامه اجاره نامه خودداری کنند از این جهت ممیزین باید بروند و ممیزی کنند و وقتی که ممیزی آمد و بنده ممیزی شد مالک یا مستأجر یک کدام ناچار این اجاره نامه را ادامه خواهند داد و دیگر اینطور نخواهد شد که بعد از ممیزی بگویند اجاره نامه غیر از این است.

**مهر الملک** - آنجا نوشته است جریمه فقط در حق مالک خواهد بود در صورتیکه در ماده دهم نوشته است مستأجر و مالک هر دو مکلفند صورت بدهند در اینصورت خوب است این جریمه به مستأجر هم (در صورتیکه تخلف بکند) تعلق بگیرد.

**مخبر** - این جریمه در بین نیست نوشته شده است بوجه اعتراضیه دو قران تمیز هم الصاق میشود هر کس حق دادن آنورقه اعتراضیه را در دو قران تمیز هم الصاق خواهد کرد.

**رئیس** - رأی میگیریم بماده ۱۴ آقایانی که این ماده را تصویب میکنند قیام نمایند.

(عده کثیری قیام نمودند)

**رئیس** - تصویب شد - اگر مغالطی نباشد چند دقیقه تنفس داده میشود.



معتقد است و خیلی اسباب شغف بنده است که عقاید دولت با فرمایشاتی که فرمودند و با نظریات مجلس مطابق است نهایت موافقت را دارد و امیدوارم انشاءالله با این موافقتی که بین مجلس و دولت هست اصلاحات مالبه بیشتر امید بخش باشد .

**رئیس - آقای حاج سهم الملك دو ماه و آقای سلطان العلماء چهل روز مرخصی خواسته اند و کمیسیون عریض و مرخصی تصویب کرد اول رأی میگیریم بر مرخصی آقای حاج سهم الملك آقایانی که مرخصی دو ماهه ایشان را تصویب میکنند قیام نمایند .**  
( عده کثیری قیام نمودند )

**رئیس - تصویب شد - راجع با آقای سلطان العلماء رأی میگیریم آقایانی که مرخصی چهل روزه ایشان را تصویب میکنند قیام کنند .**  
( عده کثیری قیام نمودند )

**رئیس - تصویب شد - بقیه شور در قانون مستغلات اگر مخالفی نباشد می ماند برای روز یکشنبه ۳ ساعت قبل از ظهر .**  
( مجلس مقارن ظهر ختم شد )

**جلسه ۶۳**

**صورت مشروح مجلس روز چهارشنبه ۱۳ شهری شوال ۱۳۲۳**

مجلس دو ساعت قبل از ظهر در تحت ریاست آقای مؤتمن الملك تشکیل و صورت مجلس روز چهارشنبه ششم قرائت شد .

- فائین بدون اجازه - آقایان سردار معتمد - شریعتمدار - حاج مهندس الدوله - نظا السلطان - حاج شیخ یوسف - حاج شیخ فضلعلی آقای - غائبین با اجازه - آقایان وقار السلطنه - سردار سعید - شیخ الملك - مؤبد الاسلام - آقای شیخ یحیی - حاج سید اسدالله .

**رئیس راجع بصورت مجلس آقایان ایراداتی دارند یا خیر ؟ ( اظهاری نشد ) ایراداتی ندارند صورت مجلس تصویب شد - دستور امروز بقیه شور دوم در قانون مستغلات است .**

( ماده ۱۹ بقرار ذیل قرائت شد )

ماده ۱۹ - این قانون دو ماه پس از تصویب مجلس شورای ملی و رسیدن بصره همایونی به موقع اجراء گذارده خواهد شد .

**رئیس - در ماده نوزدهم مخالفی هست .**

**مجلس الدوله - بنده تصور میکردم در جلسه قبل که پیشنهادی شده بود مذاکرات امروز تعقیب همان مذاکرات جلسه قبل است و بهمان ترتیبی که اجازه خواسته اند سؤال و جواب خواهد شد حالا که تجدید فرمودند عرض میکنم در جلسه قبل یعنی در شور اول بنده پیشنهادی راجع باینماده کرده بودم و بکمیسیون رفت کمیسیون قبول نکرد بنده و شاهزاده سلیمان میرزا در اینباب پیشنهادی کردیم بجهت اینکه ما هیچ تردیدی نداریم در اینکه وضع این قانون و این مالیات بواسطه این شد که از برای مخارج نظمی یک محلی باشد و مخارج آن تأمین شود چنانکه مکرر عرض کرده ام اگر مقدمه این قانون در مجلس خوانده شده بود تصویب میکرد که مالیات این محل برای مصارف نظمی است و هر گاه مخیر کمیسیون اظهار نمیکردند که این مالیات جزء مالیات کلی است و باید به الزم مخارج داده شود شاید بنده**

اصرار نمیکردم که در این قانون تصریح شود یا اگر از طرف دولت وزیر مالبه یا معاون وزارت مالبه در مجلس حاضر بودند و میگفتند دولت این مالیات را از برای مصارف نظمی اختصاص خواهد داد میتوانست بنده رافانع کندولی بنده چون دیدم در اینجا بعضی نظریات است و مخیر کمیسیون قوانین مالبه هم که از اینماده دفاع میکردند تصریح می نمودند که ممکن است عایدات این مالیات بمصارف لازم تری برسد این است که عرض میکنم بنده بعقدیم نودم هیچوقت راضی نمیشوم و خیلی مشکل میدانم که این مالیات برقرار شود و بمصرف دیگری برسد بجهت اینکه افکار عامه را متوجه این میدانم که حاضر خواهند بود با مال منت این مالیات را بپذیرند در صورتی که بدانند بمصرف نظمی میرسد و این مسئله که مستبعد نیست مالیات دهندگان در آن تردیدی داشته باشند چرا که دیده ایم مالیات نواقل مالیاتی است بلدی و بکل از موضوع مالیات مملکتی خارج است گرفته میشود و بمصارف اندوخته فلان مأمور تقشیر مملکت میرسد هم بطور سایر مالیاتهایش در اینصورت خوب است در این ماده هر طوری که در مجلس صلاح میدانند این مالیات از برای مصارف نظمی تخصیص داده شود و یا بعضی نظریات دیگر هم که بعضی میگویند تا مدت معینی باشد یعنی تا وقتیکه بودجه کل بمجلس بیاید و جمع و خرج تطبیق شود بنده مخالف نخواهم بود ولی لازم میدانم در اینجا تصریح شود

**ناصر الاسلام - بنده خوب در نظر دارم که این قانون در کابینه آقای مشیر الدوله بمجلس پیشنهاد شد و فلسفه پیشنهاد این قانون و قانون دخانیات باز هم بنده را یاد آوری میکنند بان احساساتی که از طرف اهالی راجع بنامین محل عایدات نظمی یعنی حقوق نظمی و ژاندار مری اظهار میشد باز هم خوب در نظر دارم که تجار و اصناف در منزل آقای رئیس می آمدند و بایک جدیت و صمیمیتی اظهار میکردند که ما حاضر هستیم هر نوع مالیاتی بر ما تحمیل شود قبول کنیم برای اینکه از نظمی و ژاندار مری مطمئن باشیم که حقوق آنها منظمآ میرسد شخص بنده که در این قانون رأی دادم نقطه نظرم فقط همان اختصاص مالیات برای نظمی بوده است حالا هم عرض میکنم اگر بنا باشد این قانون را بهمین نحو از مجلس بگذرانیم و اختصاصی به نظمی ندهیم بنده معتقدم که ادا کنندگان این مالیات بهر قوه ادا کنند و از روی اضطراب خواهد بود هر گاه این مالیات را اختصاص به نظمی بدهیم که واقماً هم لازم است اختصاص داده شود که هر روز و هر ماه دچار یک اشکالی نشویم اهالی با یک میل و امتنان قلبی برای ادا این مالیات حاضر خواهند شد و پیشنهادیکه آقای معذل الدوله و آقای سلیمان میرزا در اینباب کرده اند پیشنهاد صحیحی است و بنده هیچ اشکالی در آن نمی بینم و اگر گفته شود اختصاصی دادن مالیاتها غلط است عرض میکنم بهچوجه نمیتوان گفت این اختصاص غلط است بلکه لازم میدانم مالیاتهایی که وضع میشود اختصاص در آنها باشد مخصوصاً از برای نظمی و ژاندار مری که خیلی لازم است مجلس این مالیات را به نظمی تخصیص بدهد که ممکن است گفته شود که در بعضی شهرها نظمی قانونی نیست بنده عرض میکنم تخصیص این مالیات لازمه اش این نیست که**

قبلا در تمام شهر ها نظمیهای قانونی باشد لازم است این تخصیص را بدهیم بعد در تحت تعلیمات مأمورین سوئدی انجائاتی که مالیات مستغلات گرفته میشود بآسیبات نظمی بکنیم و بنده با پیشنهاد آقایان معذل اول و سلیمان میرزا را کاملاً موافقم و یقین دارم که اگر غیر از این ترتیب بشود دولت دچار اشکالات خواهد شد .

**مخبر - اولاً پیشنهادها فرق کرده است و شاهزاده سلیمان میرزا ثانیاً پیشنهادی کرده اند که غیر از پیشنهاد آقای معذل الدوله است و نمی شود گفت با پیشنهاد آقای معذل الدوله و سلیمان میرزا موافقم چون پیشنهادیکه شاهزاده ثانیاً کرده اند یک قدری قضیه را تغییر میدهد بهر حال در جلسه گذشته عرض کردم حالا تکرار میکنم این که میفرمایند اگر این مالیات برای نظمی تخصیص داده شود و مردم مالیات را با کمال میل و رغبهت میدهند و الا خیر یعنی دو لفظ متضاد را میگویند بنده این نظر را تصدیق ندارم که حتماً مردم وقتیکه محل مخارج یک مالیاتی را ندانند مجاز هستند آن مالیات را ندهند این نظر نظری است که نباید در مجلس شورای ملی بیان شود و مردم هم این حق را ندارند پس این نظر را اگر ما در مجلس شورای ملی اظهار بنمائیم و یک همچو اساس کلی را بیان کنیم و معتقد به آن شویم بنده محتاج میدانم در اینجا تکذیب شود و عرض میکنم مقنن که قانون میگذارد لازم نیست برای اینکه آن قانون اجرا شود مقصد مقنن از برای کسانی که باید آن قانون را اطاعت نمایند معین شود وقتی که از مقامات مقننه مالیاتی وضع و تصویب می شود لازم نیست از طرف اهالی شرط شود که ما بدانیم بچه مصرف میرسد بگوئید تا ما ندانیم این مالیات بچه مصرف میرسد نخواهیم داد و اگر معتقد باین نظر شویم جز هرج و مرج نتیجه دیگری حاصل نخواهد شد بنده هم کاملاً تصدیق دارم که البته مخارج اداره نظمی و ژاندار مری یعنی مخارج کلیه قوای تأمینیه ما باید در عمل از نقدترین محلها داده شود و این مطلب هیچ منکر ندارد و اگر کسی باین پیشنهادی که شده است مخالفت کند نه از مد نظر این است که مخارج نظمی و ژاندار مری نباید از یک محلهای نقدی داده شود خیر اینطور نیست فقط به تخصیص در عمل است یا در قانون به نظر بنده این تخصیص در عمل خیلی بهتر است و معلوم است که بنده هم کاملاً موافقت دارم که عایدات مستغلات از طرف دولت عملاً برای نظمی و ژاندار مری تخصیص داده شود ولی همانطور هم کاملاً مخالف هستم که این تخصیص در قانون قید شود و اگر بفرمائید کلیتاً هر مالیاتی که وضع میشود باید مصرف آنها در همان قانون معین شود بنده منکر این اصل و قاعده هم میشوم و خواهم گفت خواهشندم یک همچو قانونی بمن نشان بدهید نه در اینجا بلکه در تمام دنیا که وقتی مقننین یک مالیاتی را وضع میکنند خودش هم قبلاً محل و مصارف آنرا معین کنند علی الخصوص یک همچو مالیاتی که مالیات محلی نیست و مالیات مملکتی است و در مالیات مملکتی هم نمیتوان قبلاً شعب مخارج آنرا فهمید مالیات قطع نظر از اینکه برای دولت یک اعتباری است اساساً باید عایدات هر محلی داخل صندوق عمومی دولت بشود آنوقت**